



تحلیل مؤلفه‌های اثرگذار بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (مطالعه موردی: شهر ارومیه)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۹/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۲۸

رحیم سرور

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری
sarvarh83@gmail.com

میرنجف موسوی

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه
mousavi424@yahoo.com (مسئول مکاتبات)

شمس‌اله کاظمی‌زاد

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان
kazemizad@yahoo.com

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: در مدیریت امور شهری، مشارکت شهروندان به عنوان عنصر کلیدی در راستای دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده، از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا مشارکت دادن شهروندان موجب خواهد شد تا آنان در انجام امور شهری مسئولیت و تعهد را بپذیرند. در این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری، میزان مشارکت شهروندان ارومیه و عوامل مؤثر بر آن، شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته است. **روش پژوهش:** روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات از میان ۳۸۴ سرپرست خانوار نمونه در مناطق چهارگانه شهر ارومیه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای (چند مرحله‌ای) استفاده شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: حاکی از آن است که بیشترین و کمترین میزان مشارکت در مناطق ۱ و ۲ به ترتیب با میانگین ۶۲٪ و ۵۱٪ در ۸ مؤلفه بوده است. به طور کلی در شهر ارومیه از میان مؤلفه‌های مورد بررسی، بیشترین میزان مشارکت شهروندان در مؤلفه پاکسازی محیط شهری، با ۷۱/۵٪ بوده و کمترین میزان مشارکت شهروندان در مؤلفه درختکاری در محله و شهر، با ۳۱/۵٪ بوده است. همچنین، میانگین مشارکت شهروندان در مناطق چهارگانه ارومیه حدود ۵۵/۵ درصد بوده که نشان از مشارکت متوسط در اداره امور شهر دارد و عوامل مؤثر بر آن عبارتند از سن، تحصیلات، بعد خانوار، سابقه سکونت در محل، وضع فعالیت، نوع شغل و نوع مسکن بوده است. متغیرهای میزان درآمد و میزان هزینه خانوار هیچ‌گونه رابطه معناداری با میانگین مشارکت شهروندان نشان نداده‌اند. در تحلیل مدل رگرسیونی چند متغیره نیز مشخص شد که متغیرهای وارده بر مدل، ۵۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در این میان سهم متغیرهای مستقل بعد خانوار، سابقه سکونت در محل و نوع شغل از همه بیشتر بوده است. کمترین سهم در تبیین متغیر وابسته را ایفاد می‌نماید.

واژگان کلیدی: مشارکت، شهروندان، اداره امور شهری، شهر ارومیه

مقدمه

موضوع مشارکت امروزه از موضوعات بسیار پر اهمیت در توسعه و تحول رو به رشد است. بیان ضرورت‌ها، سیاست‌ها و روش‌های فراهم نمودن موجبات مشارکت مردم در تغییر و تحول جوامع، راهگشایی بسیار اساسی و مؤثر جهت کلیه صاحب‌نظران، دست‌اندرکاران، برنامه‌ریزان و مجریان در ایفای وظایف‌شان خواهد بود (علفیان ۱۳۷۸، ۱۸۹). آنچه امروزه موضوع مشارکت شهروندی در اداره امور شهرها را تا این مقدار پر اهمیت و ضروری ساخته است تغییر و تحولات سیاسی - اجتماعی و ورود مباحث جدید بی‌نظیر توسعه انسانی در ادبیات توسعه، بررسی ابعاد گوناگون مشارکت و چگونگی انجام امور مردم از طریق خودشان است (علوی‌تبار ۱۳۸۰، ۱۷). در این زمینه سول^۱ معتقد است که ماهیت اصلی شهروندی مشارکت در امور زندگی و اجتماع برای تعیین سرنوشت خویش می‌باشد. بطوریکه قبلاً در مفهوم واقعی مشارکت توافقی روشن وجود نداشت. زیرا در بیشتر مطالعات مفهوم مشارکت غیرقابل بیان تلقی شده است. بنابراین بهتر است مشارکت را یک مفهوم چند بعدی با معنای متفاوت و در شرایط مختلف در نظر گرفت (Simpson & Cala 2001, 1).

مروری اجمالی بر ادبیات نظری مشارکت شهروندی نشان می‌دهد که مشارکت اگرچه از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته و در راستای تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دچار تحول و دگرگونی عمیق شده است. «مفهوم جدید مشارکت شهروندی در اداره امور، پس از جنگ جهانی دوم آغاز شده است» (علوی‌تبار ۱۳۷۹، ۱۳). از اواخر دهه ۱۹۶۰ نقش مشارکت در توسعه جوامع به عنوان موضوع اساسی مورد توجه تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان قرار گرفت. ارنشتاین^۲ در زمره‌ی اولین افرادی بود که مشارکت شهروندی را در سال ۱۹۶۹ با تغییر قدرت شهروندی به کار گرفت و برای توضیح آن از استعاره نردبان مشارکت استفاده کرد. در اواخر دهه ۱۹۷۰ سازمان بهداشت جهانی، اصطلاح مشارکت شهروندی را برای نخستین بار در بحث مراقبت‌های اولیه بهداشتی مطرح ساخت. در سال ۱۹۹۶ مشارکت شهروندی به عنوان یکی از طرح‌های مؤثر در بهبود زندگی شهری از سوی اجلاس سازمان ملل در زمینه اسکان بشر تحت عنوان طرح مشارکت مردم در امور شهری ارائه گردید (شریفیان ثانی ۱۳۸۰، ۴۵-۴۴). مشارکت شهروندی از سال ۱۹۵۰، موضوع دامنهداری در حوزه برنامه‌ریزی بوده، برنامه‌ریزان شهری تلاش نمودند

در تصمیم‌گیری‌های شهری از نظرات شهروندان مطلع شوند و با همکاری آنان برنامه‌های خود را عملی سازند. برنامه‌ریزان شهری معتقدند که مشارکت، باعث می‌شود شهروندان نسبت به تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته در شهر مسئولیت‌پذیر گردند؛ یعنی حمایت عمومی از تصمیم‌گیری‌های اتخاذی از سوی مسئولان، باعث می‌شود متولیان امر به راحتی برنامه‌های خود را عملی نمایند (عباس‌زاده ۱۳۸۷، ۷۲). در مشارکت شهروندی ساختارهای شبکه‌ای جایگزین نظام‌های اداری - سیاسی (از بالا به پایین) می‌شود و تمرکززدایی شکل می‌گیرد (Astleithner and Hamedinyer 2003, 51-75) و این مسئله باعث توسعه شهری و ارضاء نیازهای مادی و معنوی شهروندان می‌گردد (Jain 2003, 41-55) زیرا مشارکت دادن شهروندان در اداره امور شهر، موجب می‌شود که شهروندان در انجام آن مسئولیت و تعهد را بپذیرند و فعالانه در انجام کارها مشارکت داشته باشند. این مشارکت شهروندان به رابطه دو جانبه و پویا بین شهروندان و سیستم مدیریتی شهر منجر خواهد شد. که به تبع آن سیستم مدیریتی شهر، پویا و مطابق با خواست‌ها و نیازهای شهروندان خواهد بود. در این پژوهش سعی شده تا ضمن بررسی تئوری‌های حاکم بر مشارکت شهروندان، میزان مشارکت شهروندی در اداره امور شهر ارومیه مورد سنجش قرار گیرد. از این رو عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندی شناسایی شده و از طریق آزمون‌های آماری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. برای انجام این تحقیق فرضیه‌های به شرح زیر عنوان می‌شود:

- ۱) بین سن و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ارومیه تفاوت وجود دارد.
- ۲) بین میزان تحصیلات و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ارومیه رابطه وجود دارد.
- ۳) بین تعداد اعضای خانوار و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ارومیه رابطه وجود دارد.
- ۴) بین میزان درآمد و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ارومیه رابطه وجود دارد.
- ۵) بین میزان هزینه و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ارومیه رابطه وجود دارد.
- ۶) بین سابقه سکونت در محل و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ارومیه رابطه وجود دارد.
- ۷) بین وضع فعالیت و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ارومیه تفاوت وجود دارد.

حکومت سلوکیان، آداب و رسوم و سنن زندگی اجتماعی یونان وارد جامعه ایرانی شد. شهرهای دوره سلوکی دارای سازمان «پولیس» بودند، یعنی مجمع ملی مرکب از افراد متساوی‌الحقوق جامعه و شورای انتخابی شهر و دادرسان انتخابی بودند. مردم حق داشتند درباره مسائل اجتماعی شهر خود اظهار نظر کنند و در حل آن با دستگاه اداری مشارکت نمایند (نوذری ۱۳۸۲، ۵۹). در دوره پارتیان، اداره امور شهر به شیوه سلوکیان بود که نامه اردوان سوم خطاب به اهالی شوش این ادعا را ثابت می‌نماید (دیاکونوف ۱۳۸۲، ۲۲۳-۲۲۱). در دوره ساسانیان از خود مختاری شهرها و شیوه اداره پولیسی اثر باقی نمی‌ماند در این دوره شهرها زیر قدرت پادشاهان قرار داشتند (پیگولوسکایا ۱۳۷۲، ۱۳۹). با ورود اسلام به ایران، شیوه اداره امور شهرها دچار تحولی عمیق گردید. ساختار اداری - سیاسی شهر تابع مقرراتی شد که ناشی از شریعت اسلامی بود. شهروندان شهر دوران اسلامی معتقد به جهان‌بینی اسلامی، فقط فرمانبردار احکام اسلامی، امام، خلیفه و یا نمایندگان آن‌ها بوده‌اند (حبیبی ۱۳۷۵، ۴۱-۴۰). ولی با روی کار آمدن حکومت‌های سلطنتی بعد از اسلام، ساختار اداری و سیاسی شهرها گرفتار ملوک‌الطوایفی و دیوانی می‌گردد و زمینه‌ای که اسلام برای مشارکت شهروندان در اداره امور خود مورد تأکید قرار می‌داد، از بین می‌رود (نوذری ۱۳۸۲، ۱۴۷). با صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ هجری قمری نخستین گام در جهت مشارکت شهروندان به شیوه نوین برداشته می‌شود. تشکیل انجمن ایالتی - ولایتی در سال ۱۲۸۶ هجری قمری پاسخ مردم سالارانه به بنیان مشروطیت بود. حکومت مشارکت تمامی افراد را در اداره امور، حق آن‌ها می‌داند. هر یک از افراد اهالی مملکت و تصویب و نظارت امور عموم به اندازه مرتبه انسان سهم‌مند و حق شرکت در انتخاب اعضای مجلس را دارند (علوی‌تبار ۱۳۸۰، ۶۵). قانون بلدیه در سال ۱۲۸۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسید که این انجمن کلیه امور مربوط به اداره امور شهرها را به عهده گرفت که پس از آن، قانون ۱۳۰۹ شهرداری‌ها، قانون ۱۳۲۰ قانون جدید شهرداری‌ها و قوانین دیگر به تصویب رسید. تا اینکه در سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی و با تغییر بنیادین در ساختار سیاسی - اجتماعی کشور، زمینه مناسبی برای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها فراهم گردید. قانون شوراهای اسلامی شهر و روستا در اول آذر ۱۳۶۱ به تصویب رسید که در ۱۳۷۶ پروژه مشارکت شهروندی به چالش جدی فراخوانده شد

۸) بین نوع شغل و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ارومیه تفاوت وجود دارد.
۹) بین نوع مسکن و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ارومیه تفاوت وجود دارد.

سابقه تاریخی مشارکت شهروندی

مشارکت شهروندی سابقه غنی و طولانی دارد و از دوران یونان باستان تا به امروزه همواره به اشکال گوناگون در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها بروز کرده است (ملک‌واین ۱۳۷۷، ۱۶۹). خاستگاه آغازین آن دولت - شهر آتن در یونان باستان می‌باشد. در این دولت شهر به جز بردگان، بیگانگان و زنان تمامی دیگر اعضای جامعه، شهروند محسوب می‌شدند و در شورای مدیریت دولت شهر عضویت داشتند (نجاتی‌حسینی ۱۳۸۰، ۲۵). شهروندان یونان باستان به عنوان قانون‌گذاران و مجریان، امور خود را اداره می‌کردند و از حق سخن گفتن و رأی دادن در مجمع سیاسی - اجتماعی برخوردار بوده‌اند (فالکس ۱۳۸۱، ۲۹).

بررسی‌های تاریخی مشارکت شهروندی گویای این حقیقت است که پدیده مشارکت شهروندی از یونان باستان تا مدرنیته به طرق مختلفی در ابعاد زندگی انسان‌ها نقش داشته است. بطوریکه در دوران مدرنیته و عصر روشنگری این پدیده با توسعه دولت‌ها و دگرگونی در چالش‌های اقتصادی - سیاسی دچار تحول گردید و به عنوان واکنشی در برابر سیستم‌های حکومتی و مدیریتی مطرح گردید. نکته قابل تأمل در این زمینه آن است که پدیده مشارکت شهروندی در تمامی ادوار مختلف تاریخی وجود داشته است، آنچه که تغییر یافته است شیوه مشارکت شهروندی بوده است که متأثر از حکومت‌ها و ایدئولوژی حاکم بر جامعه دچار تحول شده است (حکمت‌نیا و موسوی ۱۳۸۰، ۱۲۲). در ایران نیز پدیده شهروندی از زمان باستان تاکنون به شیوه‌های مختلفی وجود داشته است. بررسی‌های تاریخی حکایت از آن دارد که شهرهای ایران باستان قبل از حمله اسکندر مقدونی توسط حاکمان محلی و داوران شهری اداره می‌شده است (نظریان ۱۳۷۹، ۷). چنین ساختاری در رابطه با اراده پادشاهان مستبد ایجاد شده بود، کسانی که ادعا می‌کردند قدرت خود را از خدا گرفته‌اند. در این شهرها رهبران جامعه از میان اعضای طبقات با نفوذ انتخاب می‌شدند که امور اجرایی شهر را اداره می‌کردند. این شهرها فاقد شهردار بوده‌اند (خیرآبادی ۱۳۷۶، ۱۰۳-۱۰۱). با حمله اسکندر مقدونی به ایران و تشکیل

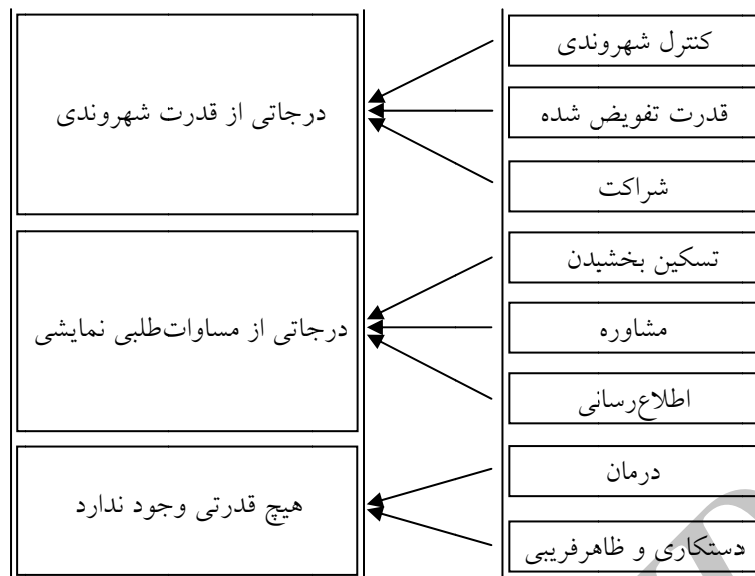
و انتخابات شورای شهر و روستا در سال ۱۳۷۷ برگزار گردید که انتخاب شهردار و نظارت و تصویب فعالیت‌های شهرداری به عهده این نهاد نوپا می‌باشد.

مبانی نظری

در جامعه امروز نیاز بشر به همزیستی در سطح بالایی احساس می‌گردد و این همزیستی در قالب شهرها تحقق می‌یابد (حکمت‌نیا و موسوی ۱۳۸۶، ۱۸۲). مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه فعالیت‌ها و امور شهری، مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران توسعه اجتماعی است. مشارکت، فرایند درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم در همه مراحل توسعه جهت ظهور توانایی‌ها، قابلیت‌ها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی آنها است و به همین خاطر شاید در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته، همگان از آن به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار سخن راندند. بنابراین، می‌توان گفت که مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری، یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی بوده، افزایش مشارکت مردم در امور شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل شهری، نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید (عباس زاده ۱۳۸۷، ۴۴). ارسطو معتقد است انسان موجودی سیاسی - اجتماعی است که برای زندگی در اجتماع آفریده شده است. به اعتقاد وی، افراد نمی‌توانند به تنهایی نیازهای خود را برآورده سازند. لذا ناگزیرند به اجتماع بپیوندند که در آن اجتماع شهروندان شریک اجتماع زندگی هم می‌باشند و همگی هدف واحدی را دنبال می‌کنند و آن تأمین سعادت است. بنابراین همه افراد باید وظایفشان را به عنوان شهروند خوب انجام دهند و بر هر دو فن فرمانروایی و فرمانبری توانا باشند و از عهده این کار به خوبی برآیند (ارسطو ۱۳۶۴، ۱۰۹-۱۰۰). به نظر مارشال، شهروندی پایگاهی است که به تمام افرادی که عضو تمام عیار اجتماع خود هستند داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه، حقوق و وظایف متناسب با این پایگاه هستند و حقوق و وظایف شهروندی موجب تثبیت قانون می‌شود. وی حقوق شهروندی را دارای سه حوزه اصلی؛ حقوق قانون مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی می‌داند. به اعتقاد او این حوزه‌ها در جامعه مدرن مهم هستند، اما در عین حال حقوق اجتماعی شهروندی دارای اهمیت بسزایی

است (نجاتی‌حسینی ۱۳۸۰، ۲۸ و ۲۹). از نظر مک کونل نیز، مشارکت نوعی گشودن باب حکومت به سوی عامه مردم و تقویت کنش متقابل میان آنان است. مشارکت نوعی گفتگو و فرایند دو طرفه مستمر میان برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران عرصه مدیریت شهری و شهروندان است (مهدیزاده ۱۳۸۲، ۳۱۰). به نظر هابرماس، شهروندی در فضایی که آزادی و دموکراسی پرورش می‌یابد به وجود می‌آید. فضایی که ناشی از تمایز میان حوزه اقتصادی و حوزه سیاسی در سرمایه‌داری است. این تمایز، حوزه را برای تحقق عدالت و آزادی‌های فردی شکل داده است که حوزه عمومی نامیده می‌شود. در این حوزه تصمیم‌گیری‌های جمعی از طریق مشارکت فعال شهروندان در شرایط آزاد و برابر صورت می‌گیرد (نجاتی‌حسینی ۱۳۸۰، ۲۸). در این ارتباط، جیمز فریزر مشارکت را با توسل به انگیزه‌های اقتصادی و مادی، عامل کنش تعیین می‌کند. هر چند که وی معتقد است فرهنگ نیز می‌تواند در آن سهمی داشته باشد. براساس این دیدگاه، اگر رضایت متقابل حاصل نشود هیچ نوع مشارکتی ایجاد نخواهد شد و هر فرد برای دستیابی به سود باید بهایی بپردازد. بها را معمولاً علاوه بر پاداش‌های بالقوه، کوششی می‌دانند که برای جلب رضایت به کار می‌رود. این نظریه به نوع مشارکت مبتنی بر اراده نیز تأکید دارد و معتقد است که رفتارهای روزمره به صورت پاسخی به خواش‌ها و محاسبات فرد دیده می‌شود و هر قدر فرهنگ حالت مسلط داشته باشد، باز هم فرد از نیروی انتخاب برخوردار است (کوهی و تقوی ۱۳۸۲، ۸۸).

ارنشتاین مفهوم مشارکت شهروندی را با استفاده از استعاره «نردبان مشارکت شهروندی» روشن می‌کند (شکل ۱). در پایین‌ترین سطح نردبان، هیچ قدرتی برای شهروندان نیست. عدم مشارکت در دو رده خود را نشان می‌دهد که وی آنها را درمان و ظاهر فریبی و درمان می‌نامد. پله‌های دیگر نردبان اطلاع‌رسانی و مشاوره است. آگاه کردن شهروندان از حقوق و برنامه‌های دولت و مسئولیت آنها در این رده بوده که گامی مثبت در جهت حرکت به سوی مشارکت است. تسکین بخشیدن و فرونشاندن خشم شهروندان پله‌ای از نردبان مشارکت است که بر اساس آن مدلی از مشارکت ارائه می‌شود که نتیجه‌اش بهره‌مند شدن شهروندان ضعیف از سهمی است که از آن طریق خشم انسان فرو می‌نشیند و به طور موقت تسکین می‌یابد. این روش مدلی رضایت‌بخشی برای مشارکت شهروندان به نظر نمی‌رسد که ارنشتاین



شکل ۱: نردبان مشارکت شهروندی پیشنهادی ارنشتاین (۱۹۶۹). مأخذ: (شریفیان ثانی ۱۳۸۰، ۴۴)

تلطیف و پویایی شهری آماده خواهند ساخت. نهایت امر این که، مشارکت عنصر حیاتی در فرایند توسعه پایدار تلقی گردیده، از آن به عنوان حلقه مفقوده فرایند توسعه یاد می‌کنند و به اعتقاد صاحب‌نظران، مشارکت موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد می‌گردد (مونت و همکاران ۱۳۸۱، ۴۲). به عبارت دیگر، مدیران شهری می‌توانند با جلب مشارکت مردم بر توانایی‌های مدیریت شهری بیفزایند (تقوایی و همکاران ۱۳۸۸، ۲۴). با توجه به موارد ذکر شده در ادامه پژوهش به عوامل مؤثر در مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری به طور مفصل پرداخته می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر این پژوهش «توصیفی - تحلیلی» می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات در بخشی از تحقیق، روش استادی و در بخش دیگر روش پیمایشی است. اطلاعات بخش پیمایشی پژوهش از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. در این روش با استفاده از پرسشنامه، از شهروندان ارومیه‌ای (سرپرستان خانوار) در ارتباط با عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهر ارومیه با نظرسنجی شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر، سرپرستان کلیه خانوارهای ساکن در شهر ارومیه هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه (چند مرحله‌ای) و با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران (حافظ‌نیا ۱۳۸۴، ۱۴۰)

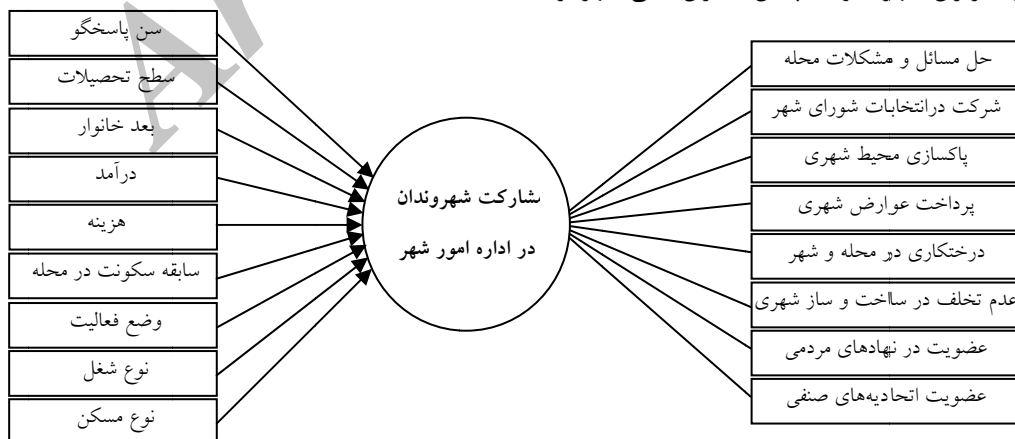
این سه رده را مساوات طلبی نمایشی قلمداد می‌کند. در بالاترین رده‌های نردبان، شراکت، قدرت تفویض شده و کنترل شهروندی به عنوان شکل واقعی‌تری از مشارکت شهروندی مطرح می‌کند. ارنشتاین مشارکت واقعی را در نردبان هشت پله‌ای خود، در بالاترین جایگاه می‌داند و آن را نشانگر توزیع قدرتی می‌داند که از طریق مذاکره به دست می‌آید؛ اما مخالفان چنین نظارتی را سد راه ارائه خدمات عمومی می‌دانند. همچنین ممکن است هزینه‌بر و نارسا باشد و امکان سوءاستفاده را به افراد فرصت‌طلب بدهد (شریفیان ثانی ۱۳۸۰، ۴۴ و ۴۵).

مشارکت شهروندان که در قالب فرایند اثرگذاری شهروندان بر ساختارهای حکومتی تجلی می‌یابد با ابتکار عمل سیاست از پایین به بالا و شبکه‌های خود سازمانی، رویکردهای قدیمی سلسله مراتبی از بالا به پایین و دیوان‌سالاری را کمرنگ و ناکارآمد می‌کند (Dekker & Kempen 2004, 41-55). ساکنان مناطق مختلف شهری را از یک شهروند انفعالی به یک شهروند فعال و مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌کند و موجب می‌شود شهروندان در طرح‌های برنامه‌ریزی شهری دخالت کنند و مشکلاتشان برآورده شود (Cullingworth and Nadin 2002, 18). اگر شهروندان، مشارکت در شهر را به منزله مشارکت در سرنوشت خویش بدانند، در این صورت، شهروندان در قالب گروه‌های کاری به شکل‌گیری و تقویت خصایصی، نظیر خود رهبری، خود مسئولیت‌ورزی مبادرت ورزیده، زمینه را برای تغییر و تحول در جهت

۲۸ سؤال اولیه فراهم و سپس به فرایند گویه‌سازی و اجرای مقدماتی ابزار اندازه‌گیری پرداخته شد. در اجرای مقدماتی که بر روی ۳۰ نفر از اعضای جامعه پژوهش صورت گرفت به ویژگی‌های هر گویه و ضریب اعتبار کل پرسشنامه پرداخته شد. در نهایت از طریق روش‌های همبستگی به شناسایی تجانس درونی ابزار تحقیق اقدام گردید و بر این اساس، تعداد ۲۱ سؤال به عنوان گویه‌های اصلی در نظر گرفته شد. این گویه با کل پرسشنامه تجانس داشته؛ حداقل از ضریب همبستگی ۰/۸۴ برخوردار بوده‌اند. در ۷ سؤال حذف شده بالاترین میزان همبستگی ۰/۷۲ بوده است. در خصوص پایایی پرسشنامه از روش ضریب آلفای کرنباخ استفاده شده است که ضریب پایایی این پرسشنامه برای پژوهش حاضر دامنه‌ای از ۰/۷۳ تا ۰/۹۷ دارد که معرف پایایی بالایی است.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، متناسب با مقیاس اندازه‌گیری متغیرها، بر مبنای طیف ۵ گویه‌ای لیکرت با مقیاس رتبه‌ای، متغیر تابع مشارکت شهروندان بوده که با جمع کردن مؤلفه‌های مشارکت به متغیر فاصله‌ای تبدیل شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در بخش توصیف داده‌ها از روش شاخص توصیفی و برای تحلیل استنباطی از آزمون ضریب همبستگی، T-Test و آزمون تحلیل واریانس و ضریب رگرسیون در نرم‌افزار رایانه‌ای Spss استفاده شده است.



شکل ۲: مدل تحلیلی مؤلفه‌های مشارکت شهروندان و عوامل تأثیرگذار بر آن. مأخذ: (ترسیم نگارندگان، ۱۳۸۹)

انتخاب گردیده‌اند. بر اساس آمارهای سرشماری عمومی نفوس و مسکن، در سال ۱۳۸۵ در شهر ارومیه بالغ بر ۱۵۳۳۵۶ خانوار ساکن بوده‌اند. با استفاده طبقه‌بندی سهمیه‌ای از طریق تقسیم تعداد خانوارهای ساکن در مناطق چهارگانه شهر ارومیه، ۳۸۴ خانوار به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده‌اند (جدول ۱). پرسشنامه‌ها توسط سرپرست خانوارهای ساکن در این مناطق به روش تصادفی ساده توزیع و تکمیل گردیده است.

جدول ۱: مشخصات جمعیت و مساحت مناطق

چهارگانه شهر ارومیه			
مناطق شهری	جمعیت	تعداد خانوار	تعداد نمونه
منطقه ۱	۱۷۰۶۴۷	۴۵۳۳۱	۱۱۳
منطقه ۲	۱۴۰۱۲۸	۳۷۲۲۵	۹۳
منطقه ۳	۱۷۱۴۸۰	۴۵۵۵۲	۱۱۴
منطقه ۴	۹۵۰۵۲	۲۵۲۴۸	۶۴
شهر ارومیه	۵۷۷۲۰۷	۱۵۳۳۵۶	۳۸۴

مأخذ: (مرکز آمار ایران ۱۳۸۵ و محاسبات

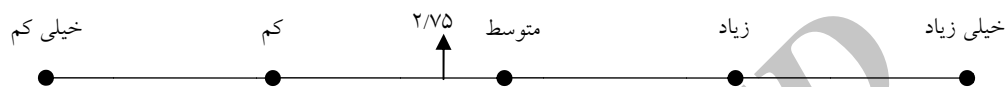
نگارندگان ۱۳۸۹)

ابزار تحقیق

ابزار اصلی تحقیق حاضر، پرسشنامه ۲۸ سؤالی در زمینه میزان مشارکت در مدیریت امور شهری، تهیه و تدوین گردیده است. برای افزایش کیفیت ابزار اندازه‌گیری به روایی تأکید ویژه گردید؛ بدین ترتیب با انجام مصاحبه با صاحب‌نظران مسائل مدیریت و برنامه‌ریزان شهری و همچنین مدیران عالی شهرداری،

جدول ۲: مؤلفه‌های مشارکت شهروندان ارومیه‌ای

ردیف	مؤلفه‌ها	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	کل شهر ارومیه
۱	حل مسائل و مشکلات محله (همیاری)	٪۷۸/۷	٪۷۴/۵	٪۷۱/۳	٪۶۱/۵	٪۷۱/۵
۲	پاکسازی محیط شهری	٪۹۰/۵	٪۷۷/۸	٪۸۴/۳	٪۸۹/۴	٪۸۵/۵
۳	عضویت در نهادهای مردمی	٪۸۳/۵	٪۷۱/۲	٪۷۳/۵	٪۸۵/۴	٪۷۸/۴
۴	پرداخت عوارض شهرداری و قبوض زیرساختی	٪۶۳/۳	٪۵۲/۶	٪۵۳/۳	٪۶۸	٪۵۹/۳
۵	عدم تخلف قوانین و مقررات مسائل کالبدی شهر	٪۵۱/۷	٪۳۸/۵	٪۳۹/۵	٪۴۱/۵	٪۴۲/۸
۶	شرکت در انتخابات شورای شهر	٪۴۶/۵	٪۴۳/۶	٪۴۵/۲	٪۳۴/۷	٪۴۲/۵
۷	عضویت در اتحادیه‌های صنفی و تعاونی	٪۴۱/۵	٪۲۰/۳	٪۲۴/۵	٪۴۳/۷	٪۳۲/۵
۸	درختکاری در محله و شهر	٪۴۰/۳	٪۲۹/۵	٪۳۲/۴	٪۲۳/۸	٪۳۱/۵
	میانگین مؤلفه‌ها	٪۶۲	٪۵۱	٪۵۳	٪۵۶	٪۵۵/۵



مدل تحلیلی پژوهش

در پژوهش حاضر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر به عنوان متغیر تابع است که شامل ۸ مؤلفه می‌باشد. متغیرهای مستقل شامل سن، میزان تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، میزان درآمد، میزان هزینه، سابقه سکونت در محله، وضع فعالیت، نوع شغل و نوع مسکن می‌باشد. (شکل ۲) مدل تحلیلی پژوهش و عوامل مؤثر بر مشارکت را نشان می‌دهد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش

۱- میزان مشارکت شهروندان:

در پژوهش حاضر مشارکت در قالب مؤلفه‌های موجود در جدول ۲ تجلی می‌یابد.

با استفاده از داده‌های حاصل از پرسشنامه، توزیع فضایی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ارومیه نشان می‌دهد که میزان مشارکت شهروندان در مناطق ۱، ۲، ۳ و ۴ به ترتیب با ۶۲٪، ۵۶٪، ۵۳٪ و ۵۱٪ بوده است.

بیشترین میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ارومیه، در منطقه یک شهرداری است. بالاترین میزان مشارکت شهروندان این منطقه در مؤلفه پاکسازی محیط شهری، با ۹۰/۵٪ بوده و پایین‌ترین میزان مشارکت آنها در مؤلفه درختکاری در محله و شهر، با ۴۰/۳٪ بوده است. اغلب ساکنان منطقه یک ارومیه، از اقشار متمکن، طبقات مرفه و بروکرات جامعه هستند که از آگاهی بیشتری نسبت به مسائل اجتماعی و شهری برخوردارند. شکل‌گیری این وضعیت در پی گسترش

شهرنشینی سریع و جدایی‌گزینی اجتماعی شهر به وجود آمده است. از مشخصه‌های بارز این منطقه می‌توان به تسهیلات و امکانات مناسب زندگی، از جنبه‌های آموزشی، درمانی، بهداشتی، فضای سبز و شبکه معابر اشاره کرد که سکونت اقشار ثروتمند و مرفه سبب گردیده که این نواحی جایگاه مناسبی را در شهر ارومیه به وجود آورد.

کمترین میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ارومیه، در منطقه دو شهرداری است. بالاترین میزان مشارکت شهروندان این منطقه در مؤلفه پاکسازی محیط شهری، با ۲۷/۸٪ بوده و پایین‌ترین میزان مشارکت آنها در مؤلفه عضویت در اتحادیه‌های صنفی و تعاونی، با ۲۰/۳٪ بوده است. منطقه‌ی دو شهر، دارای بافتی آشفته، خود رو و اغلب بی‌برنامه است. اغلب ساکنین منطقه از اقشار ضعیف و حاشیه نشین با منشأ مهاجران روستایی هستند که آگاهی کمتری نسبت به مسائل اجتماعی و شهری دارند. به دلیل آلودگی‌های محیطی، اجتماعی و نارسایی امکانات در بعضی از زمینه‌های خدماتی از جمله آموزش و فرصت‌های اشتغال، کمبود فضاهای باز و تفریحی، جایگزینی پی در پی ساکنان به دلیل عوامل جدایی‌گزینی اکولوژیکی، ساکنان منطقه کم‌ترین میزان مشارکت شهروندی در اداره امور شهر ارومیه را داشته‌اند. همچنین در بین کلیه مؤلفه‌های مشارکت، بیشترین میزان مشارکت شهروندان شهر ارومیه در مؤلفه پاکسازی محیط شهری، با ۷۱/۵٪ بوده که این مؤلفه در همه مناطق شهر بیشترین درصد را در بین تمامی مؤلفه‌ها به خود اختصاص داده است. همچنین کمترین میزان مشارکت شهروندان شهر ارومیه در بین کلیه مؤلفه‌های

شهروندان در اداره امور شهر مشارکت داشته‌اند (جدول ۳).

۳- رابطه بعد خانوار با مشارکت شهروندان

در فرضیه سوم پژوهش، ارتباط میان بعد خانوار و میانگین مشارکت شهروندان مورد تأیید قرار گرفت. از ضریب همبستگی پیرسون r استفاده شده است. شدت همبستگی دو متغیر فوق $0/39$ در سطح معناداری نزدیک به 100 درصد قرار داشته است. بنابراین از لحاظ آماری همبستگی بین بعد خانوار و میانگین مشارکت شهروندان در اداره امور شهر معنادار می‌باشد. نوع همبستگی که بین متغیر اعضای خانوار و مشارکت شهروندان وجود دارد، همبستگی خطی است. یعنی با افزایش تعداد اعضای خانوار مشارکت آنها در اداره امور شهر بیشتر می‌شود.

$$(N=384 \quad r=0/39 \quad \text{Sig:}000)$$

۴- رابطه میزان درآمد با مشارکت شهروندان

در فرضیه چهارم پژوهش، ارتباط میان درآمد شهروندان و مشارکت آنها، مورد تأیید قرار نگرفت. شدت همبستگی پیرسون میان درآمد و میانگین مشارکت شهروندان $0/059$ بوده که به سطح معنادار نرسیده است. بنابراین در پژوهش حاضر رابطه‌ای میان دو متغیر فوق مشاهده نگردیده است.

۵- رابطه میزان هزینه با مشارکت شهروندان

در فرضیه پنجم پژوهش، ارتباط میان هزینه خانوار و میانگین مشارکت شهروندان، مورد تأیید قرار نگرفت. شدت همبستگی پیرسون بین دو متغیر مذکور $0/07$ بوده که به سطح معناداری نرسیده است. بنابراین در پژوهش حاضر هیچ‌گونه ارتباطی بین دو متغیر فوق مشاهده نمی‌گردد.

مشارکت، در مؤلفه درختکاری در محله و شهر، با $31/5\%$ بوده است که این مؤلفه فقط در مناطق یک و چهار شهر نیز پایین‌ترین درصد مشارکت را به خود اختصاص داده است اما در مناطق ۳ و ۴ ارومیه، مؤلفه عضویت در اتحادیه‌های صنفی و تعاونی، کمترین میزان مشارکت شهروندان را به خود اختصاص داده است. به طور کلی، در نظرسنجی از شهروندان ارومیه‌ای، میزان مشارکت آنها در اداره امور شهر به طور میانگین $55/5\%$ ($2/75$ از 5) بوده است. از این رو می‌توان چنین استنباط نمود که شهروندان ارومیه‌ای در سطح متوسطی نسبت به مشارکت اقدام کرده‌اند.

۱- رابطه سن پاسخگویان با مشارکت شهروندان

اولین فرضیه تحقیق عبارت است از «میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر بر حسب سن افراد متفاوت است.»

نتایج حاصله از آزمون فرضیه با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که سطح همبستگی بین دو متغیر فوق $0/713$ بوده است. بنابراین می‌توان چنین بیان نمود که بین میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر بر حسب سن آنان با هم‌دیگر اختلاف معناداری وجود دارد.

$$(N=384 \quad r=0/713 \quad \text{Sig:}001)$$

۲- رابطه سواد با مشارکت شهروندان

در فرضیه دوم پژوهش ارتباط سطح تحصیلات با میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مورد تأیید قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در سطح معناداری محاسبه شده ($\text{Sig:}000$)، کمتر از آلفا ($\alpha=0/01$) تحقیق می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت تفاوت معناداری بین سطح تحصیلات و میزان مشارکت شهروندان وجود دارد. مقایسه آزمون چندگانه LSD نشان داد که شهروندانی که تحصیلات متوسط و پایین‌تری دارند، به طور معنادار بیشتر از بقیه

جدول ۳: تحلیل واریانس یک طرفه میزان مشارکت شهروندان به تفکیک سواد

sig	F	MS	df	ss	منبع تغییرات
		359/24	4	1231/8	بین گروهی
0/000	20/65	17/4	287	12117/9	درون گروهی
			291	12349/7	جمع کل

جدول ۴: تحلیل واریانس مشارکت بر حسب وضعیت شغلی

Sig	میانگین مشارکت	نوع شغل
۰/۰۰۰	۵/۷	مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی
۰/۰۰۱	۳/۴	مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی
۰/۰۰۰۳	۳/۱	کارفرما
۰/۰۰۰۳	۲/۹	کارکن مستقل
۰/۰۰۰	۲/۴	کار فامیلی بدون مزد

۸- رابطه نوع شغل با میزان مشارکت

در آزمون فرضیه هشتم نیز «بین نوع شغل و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر تفاوت معناداری وجود دارد». بنابراین پذیرفته شد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است که نشان می‌دهد سطح معنادار محاسبه شده (۰۰۰) کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha = ۰/۰۱$) است. بنابراین می‌توان گفت، میزان مشارکت شهروندان و نوع شغل آنان با یکدیگر اختلاف معناداری دارند. شهروندانی که در شغل‌های مزد بگیران بخش عمومی قرار دارند میزان مشارکت آنان بیشتر می‌باشد (جدول ۴).

$$(F = ۱۶/۸ \text{ Sig: } ۰/۰۰۱)$$

۹- رابطه نوع مسکن با میزان مشارکت

آخرین فرضیه که مورد تأیید گردیده، «بین نوع مسکن و میزان مشارکت شهروندان تفاوت وجود دارد». بدین صورت که شهروندان دارای مسکن شخصی، در اداره امور شهری مشارکت بیشتری داشته‌اند (جدول ۵).

$$(F = ۱۴/۷ \text{ Sig: } ۰/۰۰۱)$$

مدل تحلیل رگرسیونی عوامل تبیین‌کننده

مشارکت شهروندان

نتایج حاصله از تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام نشان می‌دهد که از بین متغیرهای سن، سواد، بعد خانوار، میزان درآمد، میزان هزینه، سابقه سکونت در محل، وضع فعالیت، نوع شغل و نوع مسکن، فقط متغیرهای میزان درآمد و میزان هزینه از مدل نهایی

۶- رابطه سابقه سکونت در محل با مشارکت شهروندان

در آزمون فرضیه‌ی «سابقه سکونت در محل با مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.» از ضریب همبستگی T پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده از این آزمون حاکی از آن است که چون سطح معناداری محاسبه شده (Sig: ۰۰۰) کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha = ۰/۰۵$) بوده است، بنابراین از لحاظ آماری همبستگی بین دو متغیر مذکور معنادار می‌باشد. شدت همبستگی بین دو متغیر فوق ۰/۴۳ بوده که در سطح معناداری نزدیک به ۱۰۰ درصد قرار دارد. نوع همبستگی بین متغیر «سابقه سکونت در محل» و «مشارکت شهروندان» همبستگی خطی است، یعنی با افزایش سابقه سکونت شهروندان در محل و ارتباط بیشتر با همسایگان میزان مشارکت آنان در اداره امور شهر افزایش می‌یابد.

۷- رابطه وضع فعالیت با مشارکت شهروندان

در فرضیه هفتم پژوهش نیز تفاوت معناداری بین وضع فعالیت و میزان مشارکت شهروندان مورد تأیید قرار گرفت. نتایج حاصله از آزمون T-Test نشان می‌دهد که سطح معناداری محاسبه شده (Sig: ۰۰۰) کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha = ۰/۰۱$) می‌باشد و همچنین T محاسبه شده ۲۹/۹۲۷ بوده که بیشتر از T جدول است. شهروندان شاغل بیشتر از افراد بیکار در اداره امور گرایش به مشارکت دارند.

$$(N = ۳۸۴ \text{ df} = ۳۸۳ \text{ t} = ۲۹/۹۲۷ \text{ Sig: } ۰۰۰)$$

جدول ۵: تحلیل واریانس مشارکت بر حسب نوع مسکن

Sig	میانگین مشارکت	نوع مسکن
۰/۰۰۰	۵/۹	شخصی
۰/۰۰۰	۲/۸	استیجاری
۰/۰۰۰۱	۳/۵	سازمانی
۰/۰۰۰۳	۱/۲	سایر

جدول ۶: آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره مشارکت شهروندان در اداره امور شهر

ضریب همبستگی چندگانه	Multiple R	۰/۷۹
ضریب تبیین	R Square	۰/۵۸۲
ضریب تبیین تصحیح‌شده	Adjusted R Square	۰/۵۲
اشتباه معیار	Standard Error	۲/۵۴

جدول ۷: تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره مشارکت شهروندان در اداره امور شهر

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنادار
اثر رگرسیون	۷۶۸۵/۶۲	۵	۱۸۷۸/۱۲۹	۸۶/۲	۰/۰۰۰
باقیمانده	۹۲۸۹/۹۱	۲۳۹	۷۶/۲۲		

در راستای اهداف تحقیق در پژوهش حاضر، نتایج حاصل از تکمیل پرسشنامه توسط شهروندان ارومیه‌ای نشان می‌دهد که بیشترین میزان مشارکت شهروندان ارومیه‌ای در مناطق ۱، ۴، ۳ و ۲ به ترتیب با میانگین ۰/۶۲، ۰/۵۶، ۰/۵۳ و ۰/۵۱ در کلیه مؤلفه‌ها بوده است. بدین ترتیب بیشترین میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، در منطقه یک، جایی که طبقات مرفه و بروکرات جامعه سکنی گزیده و از درک و آگاهی بیشتری نسبت به مسائل اجتماعی و شهری برخوردارند، بوده است. در این منطقه، بالاترین و پایین‌ترین میزان مشارکت ساکنان به ترتیب در مؤلفه پاکسازی محیط شهری، با ۰/۹۰/۵ و مؤلفه درختکاری در محله و شهر، با ۰/۴۰/۳ بوده است. همچنین کمترین میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، در منطقه دو بوده است. جایی که ساکنان آن از اقشار ضعیف و حاشیه‌نشین با منشأ مهاجران روستایی هستند که درک و آگاهی کمی نسبت به مسائل اجتماعی و شهری دارند. در این منطقه

برازش رگرسیونی حذف شده‌اند و سایر متغیرهای مطرح شده در مدل باقی مانده‌اند. علت خارج شدن متغیرهای مذکور از مدل را می‌توان همبستگی ضعیف آن‌ها با متغیر وابسته عنوان کرد. متغیرهای هفت‌گانه وارد بر مدل، به میزان ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی (نیمی) از مشارکت شهروندان در اداره امور شهر را تبیین می‌کنند و باقی‌مانده واریانس‌ها به وسیله عوامل ناشناخته که در این تحقیق وجود ندارند، تبیین و پیش‌بینی می‌شوند (جدول‌های ۶، ۷، ۸ و ۹).

نتیجه‌گیری

الگوهای مشارکتی در اداره امور شهرهای ایران، سابقه غنی و طولانی دارد. ولی در هیچ یک از دوره‌های تاریخی در جهت دستیابی به اهداف مورد نظر موفق نبوده‌اند. شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت و عدم مشارکت در اداره امور شهرها می‌تواند برنامه‌ریزان را در نیل به اهداف پیش‌بینی شده یاری نماید.

جدول ۸: آماره‌های متغیرهای وارد بر مدل وایزشی

Sig	T	Beta	Std.B	B	نام متغیرها
۰/۰۰۰	-۲/۷	-	۱/۰۲	-۷/۱	عرض‌ازمبدأ
۰/۰۰۳	۱۱/۲۷	۰/۳۰۵	۰/۰۸	۰/۹۸	بعد خانوار
۰/۰۰۰	۷/۲	۰/۲۹۱	۰/۰۵	۰/۵۶	سابقه سکونت در محل
۰/۰۰۱	۸/۴	۰/۳۰۱	۰/۰۸	۰/۴۳	نوع شغل
۰/۰۰۴	۸/۲	۰/۳۰۵	۰/۱۵	۰/۲۹	نوع مسکن
۰/۰۰۱	۶/۹	۰/۲۶۱	۰/۲۹	۰/۲۱	وضع فعالیت
۰/۰۰۳	۷/۴	۰/۲۷۱	۰/۰۴	۰/۴۲	سن
۰/۰۰۰	۵/۱	۰/۲۳۴	۰/۰۱۳	۰/۳۷	تحصیلات

جدول ۹: آماره متغیرهایی که وارد مدل رگرسیونی نشده‌اند

Sig	T	Beta In	نام متغیر
۰/۹۶	-۰/۰۳۴	-۰/۰۰۸	میزان درآمد
۰/۸۱	-۰/۰۲۹	-۰/۰۰۵	میزان هزینه

متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در این میان سهم متغیرهای مستقل بعد خانوار، سابقه سکونت در محل و نوع شغل از همه بیشتر بوده است. متغیر تحصیلات کمترین سهم در تبیین متغیر وابسته را ایفا می‌نماید.

منابع و مآخذ

- ۱) ارسطو. ۱۳۶۴. سیاست. ترجمه حمید عنایت. تهران: خوارزمی.
- ۲) پیگولوسکایا. ن. ۱۳۷۲. شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه عنایت‌اله رضا. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳) تقوایی، مسعود، رسول بابانسیب و چمران موسوی. ۱۳۸۸. تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز. مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره ۲.
- ۴) حافظ‌نیا، محمدرضا. ۱۳۸۴. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ یازدهم. تهران: سمت.
- ۵) حبیبی، سید محسن. ۱۳۷۵. از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.
- ۶) حکمت‌نیا، حسن و میرنجف موسوی. ۱۳۸۵. تحلیلی تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال بیست و یکم، شماره ۱، پیاپی ۸۰.
- ۷) خیرآبادی، مسعود. ۱۳۷۶. شهرهای ایران. ترجمه عزت‌اله ماضی و حسین حاتم‌نژادو تهران: نشر نیکا.
- ۸) دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ. ۱۳۸۲. تاریخ ایران باستان. ترجمه روحی ارباب. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹) شریفیان ثانی، مریم. ۱۳۸۰. مشارکت شهروندی حکمرانی شهری و مدیریت شهری. مجله مدیریت شهری. سال دوم، شماره ۸.
- ۱۰) عباس‌زاده، محمد. ۱۳۸۷. بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر (مطالعه موردی: شهر اصفهان). به راهنمایی رسول ربانی و وحید قاسمی. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه اصفهان.
- ۱۱) علفیان، مسعود. ۱۳۷۸. مشارکت و دیدگاه نو در مدیریت شهری. اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، تبریز.

نیز، بالاترین و پایین‌ترین میزان مشارکت ساکنان به ترتیب در مؤلفه پاکسازی محیط شهری، با ۷۷/۸٪ و مؤلفه عضویت در اتحادیه‌های صنفی و تعاونی، با ۲۰/۳٪ بوده است. به طور کلی در شهر ارومیه از میان کلیه مؤلفه‌های مورد بررسی، بیشترین میزان مشارکت شهروندان در مؤلفه پاکسازی محیط شهری، با ۷۱/۵٪ بوده و کمترین میزان مشارکت شهروندان در مؤلفه درختکاری در محله و شهر، با ۳۱/۵٪ بوده است. در جمع‌بندی کلی، میانگین مشارکت شهروندان ارومیه‌ای حدود ۵۵/۵ درصد بوده، که نشان از مشارکت متوسط در اداره امور شهر دارد. همچنین در ادامه این پژوهش، عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس نتایج به دست آمده، سن شهروندان بر میزان مشارکت آن‌ها مؤثر است و شهروندان با سن بالا گرایش به مشارکت بیشتری دارند. شهروندان دارای تحصیلات پایین و متوسط نسبت به شهروندان دارای تحصیلات عالی مشارکت بیشتری در اداره امور شهر داشته‌اند. یکی دیگر عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان بعد خانوار می‌باشد. بدین صورت که بین بعد خانوار و میزان مشارکت شهروندان یک رابطه خطی مستقیم وجود دارد یعنی با افزایش بعد خانوار میزان مشارکت آنان نیز افزایش پیدا می‌کند.

در ادامه، بر اساس بررسی‌های صورت گرفته بین میانگین مشارکت شهروندان و میزان هزینه و میزان درآمد آنها هیچ‌گونه رابطه‌ای مشاهده نگردیده است. بنابراین می‌توان گفت این دو عامل هیچ تأثیری بر میزان مشارکت شهروندان نداشته‌اند.

در فرضیه دیگری، شهروندانی که سابقه سکونت‌شان در محله بیشتر بوده از میزان مشارکت بالایی برخوردار بوده و روابط آنان با همسایگان و اهالی محل بر میزان مشارکت‌شان تأثیر بسزایی داشته است. شهروندان شاغل نسبت به شهروندان بیکار تمایل بیشتری به مشارکت داشته‌اند. البته این مشارکت افراد شاغل نیز بر اساس نوع شغل‌شان متفاوت بوده است. در نهایت، نوع مسکن شهروندان یکی دیگر از عوامل مؤثر بر مشارکت آنان بوده است. به طوری که شهروندان دارای مسکن شخصی نسبت به شهروندان ساکن در مسکن استیجاری و سازمانی تمایل بیشتری به مشارکت در اداره امور شهر داشته‌اند.

در تحلیل مدل رگرسیونی چند متغیره نیز مشخص شد که متغیرهای وارده بر مدل، ۵۲ درصد از تغییرات

26) Simpson, B. and Cala, C., 2001, *Measuring Results in Community Development, An Exploration of Participation and Network Capacity Domains*, CRHA.

یادداشت‌ها

¹ Saul

² Arnstein

۱۲) علوی‌تبار، علیرضا. ۱۳۷۹. بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران). تهران: سازمان شهرداری‌ها.

۱۳) علوی‌تبار، علیرضا. ۱۳۸۰. الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها. تهران: سازمان شهرداری‌ها.

۱۴) فالکس، کیث. ۱۳۸۱. شهروندی. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر،

۱۵) کوهی، کمال و نعمت‌اله تقوی. ۱۳۸۲. سنجش میزان مشارکت روستائیان در پروژه‌های توسعه روستایی. نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، سال نهم، شماره ۴.

۱۶) ملک‌واین، کتی. ۱۳۷۷. جامعه مدنی و جغرافیای توسعه، پیشرفته در جغرافیای انسانی. ترجمه مرجان بدیعی ازندهی. مجله مدرس دانشگاه تربیت مدرس، سال دوم، شماره هشتم.

۱۷) مونت، رابرت جی، گابریل آبراهام آلموندو بینگهام پاول. ۱۳۸۱. چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی. ترجمه علیرضا طیب. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

۱۸) مهدیزاده، جواد و همکاران. ۱۳۸۲. برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری، تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران. تهران: انتشارات شورای عالی معماری و شهرسازی.

۱۹) نجاتی حسینی، سید محمود. ۱۳۸۰. بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری. تهران: سازمان شهرداری‌ها.

۲۰) نظریان، اصغر. ۱۳۷۹. جغرافیای شهری ایران. چاپ چهارم. تهران: دانشگاه پیام نور.

۲۱) نوذری، عزت‌اله. ۱۳۸۲. تاریخ اجتماعی ایران. تهران: انتشارات خجسته.

22) Astleithner, F. and Hamedinyer, A., 2003, *Urban Sustainability as a New Form of Governance: Obstacles and Potentials in Case of Vienna*. *Journal of Innovation*, 16(1), 51-75.

23) Cullingworth, Barry and Nadin, Vincent., 2002, *Town & Country Planning in the UK*. London: Routledy.

24) Dekker, K. and Kempen, R. 2004, *Urban Goverhance within the Big Cities Policy*. *Journal of Cities*, 21(1), 41-55.

25) Jain, A.K., 2003, *Ationing New Partnerships for Indian Cities*. *Journal of Cities*, 21(1), 41-55.